

اندیشه مطهر



نشریه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
پایگاه مقاومت شهید مطهری دانشگاه فردوسی
شماره چهارم - بهمن ۱۳۸۹



شاخص‌های دین زدایی، نوسازی و توسعه، شبه صنعتی شدن و اصلاحات ارضی به منظور تک محصولی کردن اقتصاد و تحکیم وابستگی به ابرقدرتها و در نتیجه، افزایش اقتدار پدید آمد. نیروی روشن فکری به صورتی مقلدانه به توجیه حیات طبیعی مدرن و کمک به گسترش آن پرداخت، ولی حتی در فراگیری عمیق آن اندیشه‌ها و دانش‌ها نیز کمتر توفیق یافت؛ به گفته خودشان حتی هنوز به مرحله ترجمه و تفکر در آثار بنیادین دانش غربی هم نرسیده اند.

یکی از روشن فکران در آسیب شناسی این مسئله می گوید: «بیبیم آثار فیلسوفان مدرن را به فارسی ترجمه کنیم و درباره آن‌ها بنویسیم. این کمبودی است که در کار روشن فکر مآبان در پنجاه سال اخیر می بینیم. کار روشن فکر ما راجع به غرب، بیشتر کار ترجمه بوده تا تألیف. شاید شهادت این را نداشتیم یا شاید پتانسیل فکری این را نداشتیم که مستقلاً درباره فلسفه غرب بیندیشیم.»

امروزه نیز در برابر انقلاب اسلامی صورت پست مدرن حیات طبیعی باز تولید می شود. این بار منشأ اقتدار، نظامی گری و نفوذ بین المللی است و منبع مشروعیت آن رسانه‌های صوتی و تصویری و تکنولوژی اطلاعات (IT). صورت پست مدرن حیات طبیعی با شاخص‌های: جهانی سازی تولیدات فرهنگی برای ایجاد ابرفرهنگ سلطه پذیرانه جهانی، تهدید و نظامی گری (میلیتاریسم)، استفاده گسترده از رسانه‌ها و تکنولوژی اطلاعات و مجازپردازی ساخت یافته است. در وضعیت پست مدرن حیات طبیعی تحول ساختاری بنیادینی پدید نیامده و نیروی استکبار همان نیروی سلطه گر دوران مدرن است که برای تداوم استیلای خود صورت بندی تازه ای را فعالانه پذیرفته است. اما انقلاب اسلامی نه یک انقلاب سنت گرا در برابر مدرنیسم پهلوی بود، نه انقلابی مدرن در برابر ناتوانی حکومت مطلق مدرن پهلوی در گذر از میراث مشنوم سنت گذشته ایران و نه به زعم برخی انقلابی پست مدرن، بلکه قیامی بود که دامن مردم را از حیات طبیعی برکشید تا فراتر از همه این اوهام به حیات طیبیه برساند و از زمزم ولایت کامیاب و سیراب سازد. «استقلال و آزادی» نفی استکبار از همه ساحت‌های حیات است و «جمهوری اسلامی» طرحی برای ساختن حیات طیبیه پیش می نهد. اینکه بعضی می پندارند جمهوریت و اسلامیت با هم جمع نمی شوند برای این است که هنوز در نظام‌های فکری حیات طبیعی از نوع مدرن می اندیشند و با این تفکر نوین و طرح تازه آشنا نشده اند.

امام خمینی (قدس سره) با ایجاد تحول در نهاد دین از موضع یک مجتهد جامع الشرایط و عالم دینی ذوالفنون کارکردهای تازه ای را برای دین ایجاد کرد و در حقیقت، ظرفیت‌های پنهان دین را آشکار نمود و غبار اوهام و خرافات را از آن زدود و عزم آن داشت تا سایر نهادهای جامعه را بر اساس تحول نهاد دین، دگرگون سازد و شرایط تحقق حیات طیبیه را فراهم سازد.

بهمن باید سرمشق ما باشد در طول زندگی و برای نسلهای آینده که همه آنها ۲۲ بهمن را که غلبه ی ایمان بر کفر و الله بر طاغوت و اسلام بر کفر بود، باید حفظ کنند و بزرگ بشمارند. بزرگ بشمارند روزی را که خدای تبارک و تعالی بر ملت ما منت گذاشت و این ملت را یکپارچه کرد و ملت ما را غلبه داد. امام خمینی (ره)

وجود امام خمینی (ره) و برکات آن را تنها کسانی می‌توانند حقیقتاً درک کنند که در جستجوی تاریخ تحول باطنی انسان بر کره زمین... به تاریخ انبیا رجوع می‌کنند... و بی‌رودریابستی همه تحولات تاریخی دهه شصت هجری و دهه هشتاد میلادی و دهه اول قرن پانزده هجری قمری، معلول همین علت یگانه است. قیام امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی.

حقیقت انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی ایران قیامی بود برای گذر از حیات طبیعی به حیات طیبیه و این حرکت تنها با بازخوانی کتاب وجود آدمی و بازیابی منزلت او در عالم آفرینش امکان پذیر است. حیات طیبیه که بر بنیاد فطرت توحیدی و گرایش ذاتی انسان به کمال مطلق استوار است دو رکن عمده دارد: ایمان و عمل صالح. این زندگی پاک و نورانی ساحت مادی زندگی را با عدالت آراسته و موانع رسیدن انسان به معرفت را که غایت آفرینش او بوده است، برطرف می سازد در مقابل، هنگامی که گرایش فطری آدمی به حق تعالی در حجاب اوهام و اهاو مکسوف شود، تمایلات نامحدودی در بشر پدید می آید که معطوف به عالم محدود مادی است و به همین علت، حیات طبیعی به دو صورت مکملی سلطه گرانه و سلطه پذیرانه روی می دهد و دو طبقه مستکبر و مستضعف پدید می آید.

متأسفانه تاریخ حیات بشر بجز برهه‌های کوتاهی، در واقع تاریخ حیات طبیعی است. جامعه ایران نیز در طول قرن‌ها دو صورت از حیات طبیعی را مشاهده کرده بود: چهره سنتی حیات طبیعی و چهره مدرن آن. شاخص‌های اساسی تمایز این دو نمود از حیات طبیعی در منشأ اقتدار و منبع مشروعیت نیروی استکباری آنهاست.

حیات طبیعی سنتی با منشأ اقتدار ایلی و مشروعیت دینی به سلطه گری و استضعاف مردم دست می یازد. هنگامی که ایل اقتدار سیاسی خود را بسط می دهد انسجام درونی خود را در پرتو پیوند حسی و عاطفی و پیمان‌های ایلی و عشیره ای که بین شرکای قدرت برقرار می شود حفظ می کند و نظام اجتماعی را آن چنان که مقتضای مدینه تغلیب است، بر اساس غلبه و زور تحکیم می بخشد.

«از آنجا که سلطه زور در اصطکاک قدرت‌های دیگر اجتماعی شکننده و ناپایدار است، مستبد در جامعه ای که در آن ایمان به غیب و باور دینی وجود دارد یا از ابزار دیگری جز زور نیز استفاده می کند، این ابزار که در دوام و بقای استبداد نقش تعیین کننده دارد، تحریف است.»

چهره سنتی ساختار استکبار در حیات طبیعی که قرن‌ها در ایران سایه گسترده بود هرچند از مشروعیت دینی به واسطه تحریف بهره می برد، اما کشمکش‌های جدی و پایان ناپذیری میان نیروی استکبار و روحانیت در ایران را پدید می آورد؛ زیرا دوگانگی منشأ اقتدار و منبع مشروعیت تضادی عمیق در ساختار قدرت به وجود آورده بود و با رو شدن هرچه بیشتر این تضاد و پدیدار شدن عمق این شکاف، هم اقتدار و هم مشروعیت سلسله‌های سلطانی رو به افول می رفت و دوران‌های گوناگون تاریخ ایران یکی پس از دیگری برمی آمد. در نهایت، این ساخت سست استکبار سنتی، ماده صورت مدرن استکبار با ساختار اقتدار متفاوتی شد. در این وضعیت، منشأ اقتدار وابستگی به ابرقدرت‌های خارجی و منبع مشروعیت دانش مدرن بود. نیروی استکبار در حیات طبیعی مدرن به صورت استبداد مدرن با

مژده رسیدن ماه ربیع الاول:

این روزها که سپری می شود، حال و هوای دلم جور دیگری است. امسال هم محرم و صفر تمام شد و ربیع با مژده فرارسیدن بهار، تلنگری است که آیا دلت نیز بهاری شده است؟...!

«این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»

این کلام پیر و مراد این انقلاب امام خمینی (ره) است که شاید بارها آن را شنیده باشیم. اما تا بحال به معنای واقعی این سخن اندیشیده اید؟! محرم و صفر دو ماه متوالی است که در آنها به عزاداری برای آل الله می پردازیم و در عزای ایشان به سوگ می نشینیم.

دو ماه که با آغاز آن داغدار مصیبت های کربلا می شویم و با پایان آن از فراق پیامبر و رحمت امت ناله می زنیم که بار پروردگارا اِنَا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَا. این دل شکستن ها و این اشک ها و ناله ها گرچه دل را غمین می کند اما آن را جلا نیز می دهد که سنگ تا سوزش آتش نبیند گوهر نمی گردد. ذکر و یادآوری مصائب اهل بیت در این ایام بهترین وسیله ای است که مسلمانی خود را محکی بزینم و دوباره آن را بیدار و زنده کنیم تا یادمان نرود در کجای تاریخ ایستاده ایم و چه وظایفی بر دوش داریم.

محرم و صفر ایامی است که چراغ دلمان را برای یکسال در پیش رو روشن کنیم تا مبادا در تاریکی های غفلت و گمراهی گم شویم. مبادا یادمان برود که در کربلا چه گذشت که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» شعار همیشه اعصار است و

کوفیان در طول تاریخ کم نبوده و نیستند و مبادا یادمان برود که فلسفه اربعین چه بود که پاسداشت آن نشانه ایمان شمرده شده و مبادا یادمان برود که امام حسن (علیه السلام) چرا صلح کرد تا معاویه های روزگارمان را بشناسیم و اسیر مکر و تزویر شیطان های درونمان نشویم.

و مبادا یادمان برود زمین تاب نمی آورد مصیبت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را و فراموش نکنیم و اشک ها و ندبه های شبانه روزی پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که جفای مردمان را با خون دل دید. مبادا یادمان برود که غربت تنها به بی بارگاهی مزار نیست، غربت به تنهایی و هجران از یاران و اصحاب نیکوست.

دو ماه که با آغاز آن داغدار مصیبت های کربلا می شویم و با پایان آن از فراق پیامبر و رحمت امت ناله می زنیم که بار پروردگارا اِنَا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَا. این دل شکستن ها و این اشک ها و ناله ها گرچه دل را غمین می کند اما آن را جلا نیز می دهد که سنگ تا سوزش آتش نبیند گوهر نمی گردد.

فراموش نکنیم هشتمین اختر با قدومش سرزمینمان را گلباران کرد و مبادا فراموش کنیم که شرط ایمنی از عذاب در دژ مستحکم لا اله الا الله جز پیروی از ولایت نیست. محرم و صفر بهترین فرصت بود تا مسلمانی مان را زیر و رو کنیم و به قول امروزی ها **up to date** شویم.

و اکنون سفر با صفر به پایان رسید...

صفر تمام شد، سفر ما نیز در تاریخ اسلام تا اینجا به پایان رسید. خدا کند مسافران، سالم به مقصد رسیده باشند و خدا کند محرم و صفر اسلامان را زنده کرده باشد. و اکنون که ربیع، آمدن بهار را نوید می دهد، دلهايمان نیز بهاری شده باشد تا در بهار سبز ظهور مولایمان بتواند قامت راست کند و با افتخار بگوید «من شیعه مرتضی علی (علیه السلام)» ام، شیعه و پیرو واقعی او که همه روزهای سال مزین به افتخارات و جانبازی های اوست و زمین و زمان به داشتن او فخر می فرودند و به آسمانیان به داشتش مباحثات می کند. امروز اول ربیع الاول و یادآور یکی دیگر از ایامی است که خداوند به وجود امام علی (علیه السلام) افتخار کرد!

او که جانش را می فروشد...

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» از مردم کسی هست که جان خویش را در راه رضایت خداوند می فروشد. (بقره/ ۲۰۷)

این آیه نورانی در شب اول ربیع الاول در شأن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نازل شد. آن شب پیامبر (صلی الله علیه و آله) از شر کفار از مکه به مدینه هجرت کردند و امام علی (علیه السلام) این قهرمان همیشه تاریخ با نثار جان خویش در بستر رسول الله (صلی الله علیه و آله) خوابیدند. آری، آن شب لیلة الميبت بود...

به زمین نگاه کنید...

غزالی در احیاء العلوم آورده است: در شبی که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جای پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوابید به جبرئیل و میکائیل خطاب رسید که من بین شما دو نفر برادری قرار دادم و عمر یکی از شما را بیش از دیگری قرار دادم. کدام یک از شما ائثار می کند که عمر طولانی از آن دیگری باشد؟ هر دو عمر طولانی را اختیار کردند. خطاب آمد: «به زمین نگاه کنید و ببینید که چگونه امام علی (علیه السلام) حیات خود را به برادرش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نثار نموده و به جای او خوابیده و جان خود را فدای جان او نموده است. به زمین بروید و او را از شر دشمنان حفظ کنید.» آنها آمدند و جبرئیل در بالای سر امیرالمؤمنین و میکائیل در سمت پاهای آن حضرت نشست و ندا کرد: یخ یخ من مثلک یابن ابیطالب، خداوند در جمع ملائکه به تو مباحثات فرمود. اینجا بود که آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» نازل شد.

اگر آسمانیان و زمینیان به سرور و مولایمان علی (علیه السلام) افتخار می کنند و اگر خود را شیعه و پیرو آن حضرت می دانیم آیا حاضریم جان شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم امام زمانمان (عج) کنیم؟! همو که در این دو ماه محرم و صفر شب و روز بر مصیبت های پدران و آباء طاهرنش (علیهم السلام) خون گریه کرد.

شما نیز جان می فروشید؟!

اگر آسمانیان و زمینیان به سرور و مولایمان علی (علیه السلام) افتخار می کنند و اگر خود را شیعه و پیرو آن حضرت می دانیم آیا حاضریم جان شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم امام زمانمان (عج) کنیم؟! همو که در این دو ماه محرم و صفر شب و روز بر مصیبت های پدران و آباء طاهرنش (علیهم السلام) خون گریه کرد. آیا آن قدر دل هایمان را حسینی و زینبی و حسنی و نبوی و رضوی و در یک کلام ولایت پذیر کرده ایم که با آغوش باز جان خود را در راه سربازی مولا و مقتدایمان نثار کنیم؟! آیا محرم و صفر اسلامان را زنده کرده است که در طلیعه ربیع، برای تماشای بهار ظهور آماده شویم؟ ما اکنون در کجای تاریخ ایستاده ایم و چه مسئولیتی بر دوش داریم؟ لحظه ای درنگ تا فردا خجل نباشیم!

پایان کلام...

حال که پیراهن مشکی ات را در می آوری، پیراهن سربازی مولا را بر تن کن و عزمت را راسخ که راه تو را می خواند...

پایگاه مقاومت بسیج کارکنان دانشگاه

www.basij.um.ac.ir
basij-k@wali.um.ac.ir

